

Structural Relationships of Marital Life Quality Based on Personality Pathological Traits: The Mediating Role of the Spouse's Value System and Couple's Performance

Mina Kafaei Kivi: Ph.D. student in general psychology, science and research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. minakafaei@yahoo.com

Hayde Saberi*: Assistant professor, department of psychology, Roudehen branch, Islamic Azad University, Roudehen, Damavand, Iran. h.saberi@riau.ac.ir

Bit a Nasrolahi: Assistant professor, department of psychology, science and research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. nasrolahi@srbiau.ac.ir

Abstract

Introduction: The quality of marital life is affected by various factors. A review of researchs shows that personality traits are key factor in the matrimonial. But there is a research gap in the mediating role of the spouse's value system and the couple's performance. Therefore, the present study aimed to explain the structural relationships of marital life quality based on pathological personality traits based on the mediating role of the spouse's value system and the couple's performance.

Methods: The present study method was correlational with the structural model approach. The statistical population was the student couples in Islamic Azad Universities, Research Sciences Branch, and Roudehen Branch; from which three hundred seventy-eight people were selected using the available method. The couple's responded research tools included the Lichter and Carmal marital quality of life questionnaire 2004 with six subscales, the Personality pathological questionnaire (PID-5-BF) Krueger et al 2012, the questionnaire of the mate value system (MVS) of Edlund and Sagarin 2014 and the questionnaire of mate performance of the Apostolou et al 2018. The data were analyzed after collection using structural equation modeling (SEM).

Results: Analytical fitness indices showed that the structural model has an acceptable fit with the collected data. The overall path coefficient between the pathological traits of personality with marital quality of life was negative and significant at the level of one hundredth. The path coefficient between the couple's performance and the spouse's value system with marital quality of life was negative and significant at the level of one hundredth. The indirect path coefficient between the pathological traits of personality and marital quality of life with mediate the spouse value system and with mediate couple performance was negative and significant at the level of one hundredth. The results also showed that the spouse's value system and the couple's performance mediate the relationship between marital quality of life and the character's pathological traits.

Conclusions: Based on the results, personality traits play an important role in improving the quality of marital life of couples and can improve it by strengthening the spouse's value system of the and the couples's performance.

Keywords

Marital Quality Of Life

Pathological Personality Traits

Spouse's Value System

Couple Performance

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 20 Feb 2021
Accepted: 21 Aug 2021

Please cite this article as follows:

Kafaei Kivi M, Saberi H, and Nasrolahi B. Structural relationships of marital life quality based on personality pathological traits: The mediating role of the spouse's value system and couple's performance. Quarterly journal of social work. 2022; 11 (1); 39-49

تبیین روابط ساختاری کیفیت زندگی زناشویی بر اساس صفات پاتولوژیک شخصیت: نقش میانجیگر نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج

مینا کفایی کیوی: دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. minakafaei@yahoo.com

هاییده صابری*: استادیار، گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، دماوند، ایران. h.saberi@riau.ac.ir

بیتا نصرالهی: استادیار، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. nasrolahi@srbiau.ac.ir

واژگان کلیدی

کیفیت زندگی زناشویی

صفات پاتولوژیک
شخصیت

نظام ارزشی همسر

عملکرد زوج

چکیده

مقدمه: کیفیت زندگی زناشویی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد، مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که صفات شخصیتی عامل مهمی در زندگی زناشویی است اما در زمینه بررسی نقش میانجیگر نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج شکاف پژوهشی وجود دارد. ازاین‌رو پژوهش حاضر با هدف تبیین روابط ساختاری کیفیت زندگی زناشویی بر اساس صفات پاتولوژیک شخصیت بر اساس نقش میانجیگر نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج انجام شد. **روش:** روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی با رویکرد مدل ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانشجویان متاهل در دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات و واحد رودهن بودند. از این جامعه سی صد و هفتاد و هشت نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های کیفیت زندگی زناشویی لیچتر و کارمالت ۲۰۰۴ با شش خرده مقیاس، پرسشنامه صفات پاتولوژیک شخصیت PID-5-BF کروگر و همکاران ۲۰۱۲، پرسشنامه نظام ارزشی همسر MVS ادولاند و ساگارین ۲۰۱۴ و پرسشنامه عملکرد زوج آپوستولو و همکاران ۲۰۱۸ پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر و مدل ساختاری تحلیل شد.

نتایج: شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل نشان داد که مدل ساختاری با داده‌های گردآوری شده برازش قابل قبول را دارد. ضریب مسیر کل بین صفات پاتولوژیک شخصیت با کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار بود. ضریب مسیر بین عملکرد زوج و نظام ارزشی همسر با کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار است. مسیر غیرمستقیم بین صفات پاتولوژیک با میانجیگری سیستم ارزشی همسر و عملکرد زوج در سطح یک صدم معنادار بود. نتایج نشان داد که سیستم ارزش همسر و عملکرد زوج ارتباط بین کیفیت زندگی زناشویی و صفات شخصیتی را میانجیگری می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج می‌توان گفت صفات شخصیتی نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی زناشویی ایفا می‌نماید و می‌توان با تقویت نظام ارزشی همسر و عملکرد آن‌ها می‌توان کیفیت زندگی زناشویی را بهبود بخشید.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰

مینا کفایی کیوی، هاییده صابری و بیتا نصرالهی. تبیین روابط ساختاری کیفیت زندگی زناشویی بر اساس صفات پاتولوژیک شخصیت: نقش میانجیگر نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۱؛ ۱۱ (۱): ۳۹-۴۹

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

ازدواج یک امر اجتماعی است که هم از طریق ارتباط ایجاد می‌شود و هم پایه و اساس ارتباط را تشکیل می‌دهد و دستیابی به جامعه سالم، در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر و کیفیت زندگی است. [۱] هر خانواده‌ای همواره به دنبال زندگی با کیفیت است و داشتن کیفیت زندگی مطلوب نیز همواره آرزوی تمام اعضای خانواده بوده است. [۲] کیفیت زندگی به طور خاص، درک ذهنی فرد را نشان می‌دهد و دربرگیرنده روابط بین فردی موثر، توانایی انجام فعالیت‌های مثبت و هدفمند و احساس خوشبختی در زندگی است. [۳] کیفیت زندگی، مفهوم وسیعی است که عرصه‌های مختلف زندگی همچون وضعیت مالی، کار، عشق، مذهب و همچنین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی را در بر دارد. [۴] یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی، کیفیت زندگی زناشویی است. [۵]

کیفیت زندگی زناشویی مفهومی چندبعدی است که نه تنها ویژگی‌های درون فردی را در بر می‌گیرد، بلکه شامل ویژگی‌های بین فردی همسران نیز هست و ابعاد گوناگون ارتباط همسران مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد را شامل می‌شود. [۶] کیفیت زندگی زناشویی یک جنبه مهم از زندگی خانوادگی است، که سلامت و بهزیستی افراد را شکل می‌دهد. [۷] در یک مطالعه طولی با درگیر نمودن زوجین تازه ازدواج کرده در تعاملات مثبت و موثر به نقش دو سویه رضایت از رابطه و ارتباطات منجر به رضایت زناشویی پی بردند. از این رو، ارتباطات و تعاملات زناشویی پیش‌بینی کننده قوی کیفیت زندگی زناشویی محسوب می‌شود. [۸]

سه دسته از عوامل، یعنی عوامل زمینه‌ای و بافتی، شخصیتی و سلامت روان و فرآیندهای تعاملی زوجین را می‌توان به عنوان عوامل پیش‌بینی کننده کیفیت و ثبات زندگی زناشویی در نظر گرفت. [۹] عوامل زمینه‌ای و بافتی کمترین و فرآیندهای تعاملی زوجین، بیشترین سهم را در پیش‌بینی کیفیت و ثبات رابطه زناشویی دارند. به این ترتیب با تعیین این عوامل و تغییر آنها می‌توان در کیفیت ازدواج تغییر ایجاد کرد. [۱۰] مطالعات انجام شده هر یک اثر جنبه خاصی از ویژگی‌های فردی و اجتماعی را در کیفیت زندگی مشترک مورد پژوهش قرار داده‌اند. در این میان صفات شخصیتی از جمله عوامل مهمی است که بر کیفیت رابطه زوجین تاثیر می‌گذارند. برخی از مطالعات که در زمینه زندگی زناشویی و صفات شخصیت صورت گرفته‌اند، نشان از نقش صفات شخصیتی در کیفیت زندگی زناشویی و یا طلاق دارند. [۱۱] در بین محققان یک توافق عمومی وجود دارد که صفات شخصیتی نقش مهمی در نتایج منفی یا مثبت روابط زناشویی دارند. [۱۲]

مجموعه صفات شخصیتی در DSM5 شامل پنج حوزه شناخته شده است. این پنج حوزه عبارتند از: هیجان‌پذیری منفی، دل‌گسستگی، مخالفت‌جویی، مهار گسستگی و گرایش روان‌پریشی. گونه‌های غیرانطباقی مدل شخصیتی پنج عامل بزرگ با حوزه‌های پنج گانه آسیب‌شناسی روانی شخصیت DSM5 مشابه هستند. هیجان‌پذیری منفی با بی‌ثباتی هیجانی، برون‌گرایی پایین با دل‌گسستگی، توافق‌پذیری پایین با مخالفت‌جویی، مهار گسستگی با مسوولیت‌پذیری پایین و نپذیرفتن تجربیات جدید با گرایش روان‌پریشی مطابقت دارند. [۱۳] صفات شخصیتی همسر می‌تواند به خشونت علیه همسر منجر شود. [۱۴] تخمین زده شده است که چهل و هفت درصد از همسرکشی‌های دنیا توسط شریک صمیمی یک زن یا توسط یکی از اعضای خانواده انجام می‌شود. همچنین سی درصد از زنان دنیا خشونت جسمی یا جنسی را تجربه کرده‌اند [۱۵] که این‌ها گزارش‌هایی از صفات شخصیتی مرتبط با کیفیت زندگی زناشویی است.

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد با سبک‌های شخصیتی تکانشی، اعتمادپذیری پایین و وجدانگرایی کم به احتمال بیشتر درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. به طور کلی از میان ویژگی‌های شخصیتی، روان‌نژندی قوی‌ترین ارتباط را با رضایت و تعهد زناشویی دارد. [۱۶] ابعاد شخصیت با رفتارهای حفظ همسر و رفتارهای جنسی مرتبط هستند. [۱۷] افرادی که در ویژگی توافق‌پذیری نمره بالای کسب می‌کنند با احتمال بیشتری رفتارهای جنسی مورد علاقه همسر خود را انجام می‌دهند این مردان به طور مکرر از تکنیک‌های مثبت برای بهبود روابط خود بهره می‌گیرند. [۱۸]

بر اساس نظریه تکاملی سازگاری با شرایط همسرگزینی و حفظ همسر از طریق ژن‌ها انتقال می‌یابند. با مختل شدن ژن‌ها این صفات نیز مختل می‌گردد و ظرفیت فرد برای ایجاد روابط صمیمانه و حفظ این روابط کاهش می‌یابد. [۱۹] افرادی که در جذب و نگه‌داری شریک زندگی عملکرد ضعیفی دارند از نظر تکاملی قادر به انتقال ژن‌های خود به نسل آینده

نیستند. دلیل اصلی ناتوانایی در گزینش همسر به دلیل ضعف در تطابق نیافتن بین شرایط اجدادی و شرایط مدرن است. [۲۰] تطابق پذیرفتن بین شرایط اجدادی و مدرن بر عملکرد جنسی نیز تاثیر گذار است. صفات شخصیتی و مهارت‌های معاشقه و توجه به ظاهر از جمله عواملی هستند که بر نحوه همسرگزینی تاثیر دارند. افرادی که در شروع رابطه و حفظ همسر مشکل دارند، می‌توان در آن‌ها عملکرد جنسی ضعیف و عزت نفس پایین را پیش‌بینی کرد که با احساسات منفی قوی همراه است. [۱۹]

نظام ارزش همسر را به عنوان راه حلی برای مشکلات انطباقی می‌توان در نظر گرفت، ارزش‌های تعاملی نظیر عاطفه داشتن و تعلق داشتن نشانه علاقه به شبکه اجتماعی است. این ارزش‌ها به رشد اجتماعی و همبستگی‌های بیشتری منجر می‌شود، افراد ارزش‌های را تایید می‌کنند که منجر به ثبات بیشتر در زندگی آنان می‌شود. در تایید ارزش‌های مختلف تفاوت‌های جنسیتی در بین زنان و مردان دیده می‌شود. افرادی که ارزش همسران خود را تایید می‌کنند به احتمال زیاد تصمیم‌های می‌گیرند که به ثبات زندگی آن‌ها کمک می‌کند. [۲۱]

ارزش‌ها ساختارهای روان‌شناختی هستند که رفتارها و نیازهای شناختی افراد را هدایت می‌کنند. [۲۲] ارزش‌ها در تکامل و تولید مثل از اهمیت بالایی برخوردارند. کسانی که تولید مثل دارند شانس قابل توجهی را برای بقا ژن خود به نسل‌های آینده دارا هستند. برای تولید مثل دسترسی به جنس مقابل ضرورت دارد، بنابر این افراد زمانی که در همسرگزینی موفق شوند احساس خوشبختی را تجربه می‌کنند و این موضوع انگیزه ماندن در رابطه را افزایش می‌دهد. این عملکرد خوب با احساسات مثبت و رضایت بیشتر از زندگی همراه است. [۲۰] ارزش‌ها با سایر ساختارهای روان‌شناختی مانند ابعاد شخصیت، علاقه‌ها و نگرش‌ها در ارتباط هستند، بسیاری از ارزش‌ها در طول زندگی تغییر می‌کنند و بسیاری مانند ابعاد شخصیت در طول زمان نسبتاً ثابت هستند. در تایید ارزش‌های مختلف بین زنان و مردان تفاوت‌های جنسیتی دیده می‌شود. [۲۱] به دلیل تفاوت مردان و زنان در تولید مثل، روانشناسان تکاملی معتقدند معیارهای همسرگزینی نیز در دو جنس متفاوت است. تفاوت در سرمایه‌گذاری در همسر یابی در نظریه تیوریوز بیان شده است. بر طبق این نظریه زنان تمایل دارند به ارزیابی طولانی مدت همسران خود پردازند و برای آن‌ها معیار همسرگزینی منابعی است که همسران در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند. در صورتی که مردان معیارهای متفاوتی دارند و بیشتر به وسیله علامت‌های ظاهری، سلامتی و قدرت باروری زنان جذب آن‌ها

می‌شوند. [۲۳ و ۲۴] افرادی که ارزش همسران خود را تایید می‌کنند در مقابل کسانی که این ارزش‌ها را تایید نمی‌کنند، به احتمال زیاد تصمیم‌های می‌گیرند که به ثبات زندگی آنها کمک می‌کند. [۲۱] مردان زمانی که با زنانی ازدواج می‌کنند که از نظر آن‌ها زیبا و جوان هستند و قدرت باروری بالایی دارند رضایت بیشتری از زندگی زناشویی دارند. [۱۶] در مقابل زنان ترجیح می‌دهند با مردانی ازدواج کنند که رتبه‌های شغلی خوب و درآمدهای بالا دارند و زنانی که با چنین مردانی ازدواج کرده‌اند، تلاش بیشتری برای حفظ همسران خود به‌کار می‌گیرند. [۲۴]

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش حاکی از این است که کیفیت زندگی زناشویی ابعاد مختلفی دارد و تحت تاثیر متغیرهای مختلفی بروز می‌کند. علاوه بر این، پیچیدگی این رفتار در زوجین و تاثیرپذیری آن از بافت فردی، فرهنگی و اجتماعی، ضرورت پژوهش‌های بیشتر را ایجاب می‌کند. می‌توان گفت که تعامل با شریک زندگی از اهمیت خاصی برخوردار است و کیفیت این رابطه بر تمام جنبه‌های زندگی تاثیر دارد. همچنین نظر به این نکته که در مطالعات علمی و دانشگاهی ایران، کیفیت زندگی زناشویی با صفت پاتولوژیک شخصیت و میانجی نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج مورد توجه قرار نگرفته است، فقدان این گونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد؛ بنابراین مساله اصلی این پژوهش پدیدار کردن یک مدل ساختاری پیش‌بینی کیفیت زندگی زناشویی بر اساس صفات پاتولوژیک شخصیت با میانجیگری نظام ارزشی و عملکرد زوج بود.



روش این پژوهش همبستگی با رویکرد مدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانشجویان متأهل مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات و واحد رودهن در بهار ۱۳۹۸ بودند. از

این جامعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس سی صد و هفتاد و هشت نمونه انتخاب شد.

ملاک‌های ورود و خروج

ورود: متاهل بودن، دانشجو بودن و رضایت برای شرکت در پژوهش.

خروج: مخدوش بودن بیش از پنج سوال از پرسشنامه‌های پژوهش و اقدام به طلاق زوجین. روش اجرا بدین ترتیب بود که بعد از هماهنگی‌های لازم با نمونه‌های پژوهش، پرسشنامه‌های پژوهش که پرسشنامه کیفیت زندگی زناشویی، صفات آسیب‌شناسی شخصیت، عملکرد زوج در همسرگزینی و ارزش همسر بود در اختیار نمونه‌های پژوهش قرار گرفت و داده‌ها جمع‌آوری شد. برای کنترل اثر سوالات بر نحوه پاسخدهی زوجین، پرسشنامه‌ها در چهار دسته قرار گرفت. دسته الف: کیفیت زندگی زناشویی، صفات آسیب‌شناسی شخصیت، عملکرد زوج و ارزش همسر؛ دسته ب: پرسشنامه صفات آسیب‌شناسی شخصیت، کیفیت زندگی زناشویی، ارزش همسر و عملکرد زوج؛ دسته ج: ارزش همسر و عملکرد زوج، صفات آسیب‌شناسی شخصیت، کیفیت زندگی زناشویی؛ دسته د: عملکرد زوج، صفات آسیب‌شناسی شخصیت، کیفیت زندگی زناشویی و ارزش همسر. قبل از اجرا درباره پرسشنامه‌ها توضیحات لازم عرضه شد و از آن‌ها خواسته شد تا با دقت به سوال‌ها جواب دهند؛ در مورد محرمانه بودن داده‌ها و رعایت اخلاق پژوهشی به دانشجویان اطمینان داده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی، تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس کیفیت زندگی زناشویی: این مقیاس را لیچتر و کارمالت در سال ۲۰۰۹ با هدف سنجش کیفیت زندگی زناشویی زوجین تدوین کردند. مقیاس کیفیت

زندگی زناشویی دارای بیست و سه سوال، یک نمره کل و شش خرده مقیاس است که به صورت لیکرته از یک تا شش نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌گذاری برخی آیتم‌ها به صورت معکوس است. [۲۵] شش مقیاس آزمون کیفیت زناشویی عبارتند از: خرده مقیاس تعهد با چهار سوال - خرده مقیاس ارتباط با پنج سوال - خرده مقیاس تعهد به بچه‌ها با چهار سوال - خرده مقیاس حل تعارض با سه سوال - خرده مقیاس حل مثبت تعارض با یک سوال و سه گزینه. این مقیاس برای تشخیص کیفیت زندگی از روایی و پایایی برخوردار است. نتایج پژوهش صابری و ابوالمعالی در مورد استانداردسازی مقیاس کیفیت زندگی زناشویی نشان داد که این مقیاس روایی و اعتبار خوبی در زوج‌های ساکن در شهر تهران برخوردار است و کارایی لازم را برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی زناشویی دارد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه نود و دو صدم گزارش شده است. [۲۶]

پرسشنامه صفات پاتولوژیک شخصیت: برای سنجش صفات پاتولوژیک شخصیت از پرسشنامه فرم کوتاه که توسط کروکر و همکاران با هدف سنجش صفات پاتولوژیک شخصیت در سال ۲۰۱۲ طراحی شده است، استفاده شد. [۲۷] این آزمون یک پرسشنامه بیست و پنج سوالی است و برای سنجش پنج بعد شخصیت طراحی شده است. شرکت‌کنندگان به این پرسشنامه بر روی یک مقیاس صفر تا سه از خیلی نادرست تا اغلب درست و خیلی درست تا اغلب درست پاسخ می‌دهند. در پژوهشی که در ایالات متحده روی دویست و پنجاه و دو نفر انجام شد، نتایج نشان داد که ابعادی که در این پرسشنامه سنجیده می‌شوند، عبارتند از هیجان‌پذیری منفی با آلفای کرونباخ هفتاد و هشت صدم، دل‌گسستگی با آلفای کرونباخ هفتاد و نه صدم، مخالفت‌جویی با آلفای کرونباخ هشتاد صدم، مهارگسستگی با آلفای کرونباخ هشتاد و یک صدم و گرایش روان‌پریشی با آلفای کرونباخ هشتاد و دو صدم. برای محاسبه نمره هر صفت میانگین نمره‌های مربوط به آن صفت محاسبه می‌شود. [۲۸] این پرسشنامه در ایران برای اولین بار توسط عبدی و چلبیانلو در سال ۱۳۹۳ مورد بررسی و تایید قرار گرفت؛ در پژوهش عبدی و چلبیانلو که روی سی صد و سی و شش نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز و شهید مدنی آذربایجان انجام شد، پایایی کل این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ هشتاد و شش صدم به دست آمد. [۲۹]

پرسشنامه عملکرد زوج در همسرگزینی: این پرسشنامه به وسیله آپوستولو، پاپدوپلو و جورجیادو در سال ۲۰۱۹ ساخته شد. [۲۱] این پرسشنامه شامل پنج جمله است و پاسخ‌ها بر روی یک لیکرت پنج درجه‌ای تنظیم شده است از کاملاً مخالف برابر نمره یک تا کاملاً موافق برابر با نمره پنج، دامنه نمرات بین پنج تا بیست و پنج قرار دارد. براساس دستورالعمل نمره‌گذاری پرسشنامه‌های عملکرد زوج و نظام ارزشی همسر، نمرات بالاتر بیانگر عملکرد زوجی نامطلوب و نظام

ارزشی نامناسب همسر است. اعتبار این آزمون توسط آپوستولو بررسی شد، نمرات پایین در این مقیاس با احتمال افزایش مجرد ماندن و کاهش احتمال ازدواج همراه است. نمرات پایین در این مقیاس با پایداری کمتر در روابط گذشته نیز همراه است. آلفای کرونباخ این مقیاس معادل هشتاد و یک صدم محاسبه شد. [۱۹]

پرسشنامه ارزش همسر: پرسشنامه نظام ارزشی همسر که توسط ادولاند و ساگارین در سال ۲۰۰۹ با هدف سنجش ارزش همسر زوجین طراحی شده است یک مقیاس کوتاه با چهار پرسش است و می تواند

هم ارزش های خود فرد و هم ارزش های همسر او را ارزیابی کند. این دو نفر در یک تحقیق نشان دادند، این آزمون دارای ثبات درونی است و از روایی بالا برخوردار است. در تحقیق دوم توسط این محققان اعتبار این آزمون از طریق آزمون-بازآزمون به اثبات رسید. آلفای کرونباخ این مقیاس در این تحقیق هشتاد و شش صدم محاسبه شد. [۳۰]

یافته ها

در پژوهش حاضر سی صد و هفتاد و هشت نفر شرکت کرده بودند که دویست و نوزده نفر معادل پنجاه و هفت و نه دهم درصد زن و صد و پنجاه و نه نفر معادل چهل و دو یک دهم درصد مرد بودند و میانگین سنی آنها بیست و هشت و سی و هشت صدم با انحراف معیار هشت و ده صدم بود؛ اطلاعات جمعیت شناختی در بعد تحصیلات و سابقه زندگی مشترک آنها در جدول شماره یک آورده شده است.

قبل از این که به نتایج مدل ساختاری پرداخته شود، بررسی ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش نشان داد که همه صفات پاتولوژیک شخصیت با همه مولفه های کیفیت زندگی زناشویی به صورت منفی و در سطح معناداری یک صدم همبسته اند. متغیر عملکرد زوج با همه مولفه های کیفیت زندگی زناشویی به صورت منفی و در سطح معناداری یک صدم همبسته بود. متغیر نظام ارزشی همسر نیز با همه مولفه های کیفیت زندگی زناشویی به صورت منفی و در سطح معناداری یک صدم همبسته بود. قبل از این که از روش تحلیل مسیر برای تحلیل داده های پژوهش استفاده شود، مفروضه های آن یعنی مقادیر چولگی و کشیدگی و مفروضه همخطی بودن به کمک ارزیابی مقادیر عامل تورم واریانس VIF و ضریب تحمل بررسی شد. نتایج بررسی مفروضه های تحلیل مسیر نشان داد که مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در محدود مثبت منفی دو بوده و بنابراین توزیع داده ها نرمال است. همچنین با توجه به این که مقادیر ضریب تحمل همه متغیرهای پیش بین بزرگتر از یک دهم و مقادیر عامل تورم واریانس برای هر یک از آنها کوچکتر از ده بود، بنابراین می توان گفت مفروضه همخطی بودن نیز در بین داده ها برقرار بود. در ادامه به منظور ارزیابی برقراری یا برقراری نشدن مفروضه نرمال بودن توزیع داده های چند متغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به فاصله مهلبوبایس استفاده شد و ارزیابی مقادیر چولگی و کشیدگی به ترتیب برابر با سه و هفتاد و پنج صدم و بیست و سه و بیست و سه صدم آن نشان داد که توزیع اطلاعات چند متغیری نرمال نیست. بنابراین نمودار باکس پلات آن ترسیم و مشخص شد که اطلاعات مربوط به یازده شرکت کننده پرت چندمتغیری تشکیل داده است. به همین دلیل داده های مزبور حذف و با این عمل مقادیر چولگی و کشیدگی نمرات فاصله مهلبوبایس به یک و سی صدم و یک و هشتاد و دو صدم کاهش یافت.

برای آزمون فرضیه ها از روش مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد. متغیرهای مکنون صفات پاتولوژیک شخصیت و کیفیت زندگی زناشویی مدل اندازه گیری پژوهش را تشکیل داده اند. چنین فرض شده است که متغیر مکنون صفات شخصیت پاتولوژیک به وسیله نشانگرهای مهارگسستگی، دل گسستگی، عاطفه منفی، مخالفت جویی و روان پریشی و متغیر مکنون کیفیت زندگی زناشویی به وسیله نشانگرهای تعهد، ارتباط، صمیمیت، تعهد به فرزندان، حل تعارض و رضایت کلی از زندگی سنجیده می شود. چگونگی برازش مدل اندازه گیری پژوهش به وسیله تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS24 و برآورد بیشینه احتمال ML مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول شماره دو شاخص های برازندگی مدل اندازه گیری را نشان می دهد.

جدول شماره دو نشان می دهد همه شاخص های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تاییدی از برازش مطلوب مدل اندازه گیری پژوهش با داده های گردآوری شده حمایت می کند. ($\chi^2/df=1/86$ ، $CFI=0/989$ ، $AGFI=0/943$ ، $GFI=0/963$ و $RMSEA=0/048$)

جدول شماره سه ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

براساس نتایج جدول شماره سه ضریب مسیر کل بین صفات پاتولوژیک شخصیت

جدول (۲) شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

شاخص‌های برازندگی	مدل اندازه‌گیری	نقاط برش
مجذور کای	۷۹/۹۵	-
درجه آزادی مدل	۴۳	-
χ^2/df	۱/۸۶	کمتر از ۳
GFI	۰/۹۶۳	۰/۹۰ >
AGFI	۰/۹۴۳	۰/۸۵۰ >
CFI	۰/۹۸۹	۰/۹۰ >
RMSEA	۰/۰۴۸	۰/۰۸ <

و کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار است. ($\beta = -0/272, P < 0/01$) ضریب مسیر عملکردزوج ($\beta = -0/210, P < 0/01$) از یک سو و نظام ارزشی همسر ($\beta = -0/256, P < 0/01$) از سوی دیگر با کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار بود. ضریب مسیر غیرمستقیم بین صفات پاتولوژیک شخصیت با کیفیت زندگی زناشویی ($\beta = -0/182, P < 0/01$) منفی و در سطح یک صدم معنادار بود. به‌کارگیری فرمول پیشنهادی بارون و کنی نیز نشان داد که نظام ارزشی همسر ($\beta = -0/128, P < 0/01$) و عملکرد زوج ($\beta = -0/054, P < 0/01$) به‌صورت منفی و معنادار رابطه بین صفات پاتولوژیک شخصیت و کیفیت زندگی زناشویی را میانجیگری می‌کنند. [۲۳]

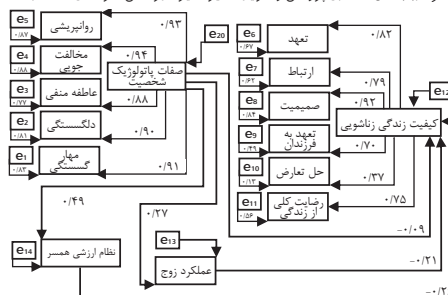
جدول (۱) اطلاعات جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش

تحصیلات	دبلم	کارستانی	کارشناسی	ارشد+
۵۷ نفر (۱۵/۰۷٪)	۳۴ نفر (۸/۹۹٪)	۱۶۴ نفر (۴۳/۳۸٪)	۱۲۳ نفر (۳۲/۵۳٪)	
سابقه زندگی مشترک (به سال)	کمتر از ۵ سال	۶ تا ۱۰ سال	۱۱ تا ۱۵ سال	۱۵ سال به بالا
۱۴۰ نفر	۸۵ نفر	۷۰ نفر	۸۳ نفر	

جدول (۳) ضرایب مسیر کل و مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

ضرایب مسیر	b	S.E	β	p-value
رابطه مستقیم شخصیت پاتولوژیک-کیفیت زندگی زناشویی	-۰/۰۴۷	۰/۰۳۳	-۰/۰۹۰	۰/۱۷۰
رابطه نظام ارزشی همسر-کیفیت زندگی زناشویی	-۰/۰۸۹	۰/۰۲۱	-۰/۲۵۶	۰/۰۰۲
رابطه عملکرد زوج-کیفیت زندگی زناشویی	-۰/۱۰۸	۰/۰۲۵	-۰/۲۱۰	۰/۰۰۳
رابطه شخصیت پاتولوژیک-نظام ارزشی همسر	۰/۷۳۵	۰/۰۷۲	۰/۴۸۶	۰/۰۰۱
رابطه شخصیت پاتولوژیک-عملکرد زوج	۰/۲۷۶	۰/۰۵۴	۰/۲۷۴	۰/۰۰۱
رابطه غیر مستقیم شخصیت پاتولوژیک-کیفیت زندگی زناشویی	-۰/۰۹۵	۰/۰۲۴	-۰/۱۸۲	۰/۰۰۱
رابطه شخصیت پاتولوژیک-کیفیت زندگی زناشویی	-۰/۱۴۲	۰/۰۳۰	-۰/۲۷۲	۰/۰۰۱

نمودار (۱) مدل ساختاری پژوهش و ضرایب مسیر متغیرها براساس نمره های استاندارد



بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق تعیین برازش مدل مفهومی برای پیش‌بینی کیفیت زندگی زناشویی براساس ویژگی‌های پاتولوژیک شخصیت هیجان‌پذیری منفی، دل‌گسستگی، مخالفت‌جویی، مهارگسستگی و گرایش روان‌پریشی با میانجیگری نظام ارزشی و عملکرد زوج بود. این نتایج نشان داد که مدل ساختاری پیش‌بینی کیفیت زندگی زناشویی بر اساس مولفه‌های پاتولوژیک شخصیت مهارگسستگی، دل‌گسستگی، عاطفه منفی، مخالفت‌جویی و روان‌پریشی، با میانجیگری عملکرد زوج و نظام ارزشی همسر از برازندگی مطلوبی برخوردار است. نتایج نشان داد ضریب مسیر کل بین صفات پاتولوژیک شخصیت و کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار است. بر این اساس صفات پاتولوژیک شخصیت به‌صورت منفی و معنادار کیفیت زندگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. اگر کیفیت زندگی زناشویی را یک ارزشیابی ذهنی بدانیم که به قضاوت درونی افراد بستگی دارد، تغییرات در ویژگی‌های درونی و محیطی می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی را دستخوش تغییر کند. صفات شخصیتی افراد با برداشت‌های آن‌ها از ارزش‌های همسر خود و عملکرد این افراد در گزینش همسرانشان، بر کیفیت زندگی زناشویی آن‌ها تأثیر گذار است. [۱۶] ارتباط بین ویژگی‌های شخصیت و رضایت زناشویی در چندین مطالعه بررسی شد. نتایج مطالعات لویز' سلا و شاکلفورد ۲۰۱۷ در بررسی ارتباط ارزش‌های همسر با رضایت زناشویی به این نتیجه رسیدند که رضایت زناشویی در افرادی که همسرانشان از ارزش کمتری نسبت به دیگران برخوردار بودند کاهش می‌یافت. علاوه بر آن تفاوت در رضایت زناشویی با اختلاف در ارزش‌ها نیز ارتباط داشت. [۲۲]

این نتایج با پژوهش آپوستولو^۱ پاپدوپلو و جورجیانو^{۲۰۱۸} در زمینه ارتباط بین ارزش همسر و رضایت زناشویی همخوان است. افرادی که ارزش‌های همسر خود را تأیید می‌کردند در مقابل کسانی که این ارزش‌ها را تأیید نمی‌کردند رضایت بالاتری از زندگی داشتند. رضایت زناشویی و به طبع آن کیفیت زندگی زناشویی در افرادی که همسرانشان از مطلوبیت کمتری نسبت به دیگران برخوردار بودند کاهش می‌یابد. [۲۱]

همان‌طور که در نتایج گزارش شد، با افزایش صفاتی چون مهارگسستگی، دل‌گسستگی، عاطفه منفی، مخالفت‌جویی و روان‌پریشی کیفیت زندگی زناشویی افت می‌کند. این نتایج با پژوهش‌های ترقی‌جاه، بهادری خسروشاهی و خان جانی^{۲۰۱۷} همخوان است. برآمدهای پژوهش آن‌ها نشان داد، رضایت زناشویی با روان‌آزردجویی همبستگی منفی و معنی‌دار دارد و با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، همسازی و وظیفه‌شناسی همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد. برون‌گرایی پیش‌بینی‌کننده افزایش رضایت زناشویی زنان بود. زوجینی که هر دو ویژگی نوروزگرایی نمرات بالایی داشتند در مقایسه با زوجینی که هر دو در این ویژگی نمرات پایین داشتند، به‌طور معناداری رضایت زناشویی کمتری را گزارش کردند. زوجینی که در هر دو ویژگی همسازی و وظیفه‌شناسی نیز نمرات بالای داشتند در مقایسه با زوجینی که در هر دو این ویژگی‌ها نمرات پایین کسب کرده بودند، رضایت بیشتری از زندگی زناشویی داشتند [۳۱] در تحقیقات آتاری و همکاران^{۲۰۱۷} رابطه منفی بین ویژگی روان‌نژندی با رضایت زناشویی مشخص شد. با افزایش این ویژگی رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و در مقابل ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری و مسوولیت‌پذیری با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار دارند. با توجه به این نتایج نقش شخصیت در توجه و مراقبت از همسر مشخص شده و ثبات هیجانی یک معیار پایدار در سازگاری زناشویی افراد محسوب می‌شود. [۱۲]

منطبق بر نتایج پژوهش، ضریب مسیر بین عملکرد زوج و کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار است. بر این اساس نتیجه‌گیری شد که عملکرد زوج به‌صورت منفی و معنادار کیفیت زندگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند، در نمره‌گذاری پرسشنامه عملکرد زوج، نمرات بالاتر بیانگر عملکرد زوجی نامطلوب است. با کاهش عملکرد در همسرگزینی، کیفیت زندگی زناشویی نیز افت می‌کند. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات میچالسکی و شاکلفورد^{۲۰۱۰} همخوان است. [۱۹]

افرادی که عملکرد ضعیفی در رابطه جنسی دارند احساسات منفی غم و تنهایی را بیشتر تجربه می‌کنند و احساس شادی و خوشبختی کمتری دارند. این افراد رضایت کمتری از زندگی خود دارند. عملکرد در انتخاب همسر تأثیر متوسط تا قوی بر احساسات منفی، مثبت و بهزیستی روانی افراد دارد. افرادی که عملکرد بهتری در گزینش همسر و حفظ همسر در طول زندگی دارند بهزیستی روانی و رضایت از زندگی بیشتری

را تجربه می‌کنند. این افراد کمتر به مداخلات روان‌شناختی نیاز پیدا می‌کنند.

منطبق با نتایج تحلیل مسیر، ضریب مسیر بین نظام ارزشی همسر و کیفیت زندگی زناشویی منفی و در سطح یک صدم معنادار است. بر این اساس نتیجه‌گیری شد که نظام ارزشی همسر به‌صورت منفی و معنادار کیفیت زندگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند، در نمره‌گذاری پرسشنامه ارزش همسر، نمرات بالاتر بیانگر ارزش کمتر است. با افزایش ارزش همسر کیفیت زندگی زناشویی افزایش می‌یابد. در مطالعه‌ای لاونر^{۲۰۱۶} همکاران به بررسی ارتباط همسران و رضایت زناشویی پرداختند. در این مطالعه مشخص شد ارزش همسران پیشگویی‌کننده خوبی برای رضایت از زناشویی محسوب می‌شود. رضایت زناشویی در افرادی که همسرانشان از مطلوبیت کمتری نسبت به دیگران برخوردار بودند کاهش می‌یافت. علاوه بر آن تفاوت در رضایت زناشویی با اختلاف در ارزش‌ها و رفتارهای حفظ همسر نیز ارتباط داشت. [۱۰]

جدول تحلیل مسیر نشان داد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین صفات پاتولوژیک شخصیت و کیفیت زندگی زناشویی با میانجیگری نظام ارزشی همسر و با میانجیگری عملکرد زوج منفی و معنادار است. بر این اساس نتیجه‌گیری شد که نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج به‌صورت منفی و معنادار رابطه بین صفات پاتولوژیک شخصیت و کیفیت زندگی زناشویی را میانجیگری می‌کند. بدین ترتیب با افزایش صفات پاتولوژیک شخصیت، کیفیت زندگی زناشویی دچار افت می‌شود. ویژگی‌های منفی در شخصیت با عملکرد ضعیف در همسرگزینی همراه است. ویژگی‌های دل‌گسستگی و مقابله‌جویی باعث ناتوانی افراد در شروع رابطه و حفظ آن می‌شود. افرادی که عملکرد ضعیفی در همسرگزینی

دارند به علت عزت نفس پایین و نداشتن مهارت‌های اجتماعی در جذب همسر، با ارزش‌های بالاتر نیز دچار مشکل می‌شوند. بنابر این ارزش همسر و عملکرد زوج می‌تواند به صورت غیر مستقیم میانجی بین متغیرهای صفات پاتولوژیک شخصیت و کیفیت زندگی زناشویی باشد. کی نژاد هانلون و هاوارد ۲۰۲۰ در مطالعات خود در مورد خشونت علیه زنان به این نتیجه رسیدند صفت گشودگی در مردها پیش‌گویی‌کننده مثبتی برای بالا بودن کیفیت زندگی زناشویی است. با افزایش نقض در کارکرد شخصیت و صفات شخصیتی مرضی، آشفتگی‌هایی در کارکردهای خود فرد و روابط بین فردی او ایجاد می‌شود. [۱۴] الگویی که در اختلالات شخصیت وجود دارد یک الگوی غیرانطباقی و نسبتاً انعطاف ناپذیر است که موجب بروز ناتوانی‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، شغلی و خانوادگی می‌شود. شخصیت به صورت مستقیم عاملی محسوب می‌شود که بر ارتباط بین زوج‌ها اثرگذار است. شخصیت افراد واکنش‌های متفاوتی را در طرف مقابل فرا می‌خواند و بر رضایت زناشویی و سازگاری زوجین تاثیرگذار است. این نتیجه با تحقیق ترقی‌جاء و همکاران [۳۱] همخوان است. نتایج تجزیه و تحلیل آماری این مطالعه نشان داد که بین عامل شخصیتی روان‌آزرده‌خویی و رضایتمندی زناشویی رابطه منفی وجود دارد. ولی عوامل شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و مقبولیت و گشودگی با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت دارد. موفقیت در زمینه ازدواج شامل توانایی جذب و حفظ همسر است. مساله‌هایی مربوط به حوادث و جهش ممکن است باعث کاهش عملکرد در رابطه جنسی شود. این کاهش در عملکرد زوج باعث انطباق ناپذیری بین شرایط اجدادی و مدرن می‌شود. گذار به مرحله صنعتی تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در حیطه جذب همسر و حفظ همسر ایجاد کرده

است. [۵] افرادی که بتوانند با این تغییرات سازگار شوند و همسران خود را گزینش کنند و از ویژگی‌های شخصیتی برخوردار باشند که توسط دیگران انتخاب شوند در جذب و ماندن با همسران خود مشکلات کمتری دارند. توجه به ظاهر، مهارت در معاشقه و صفات شخصیتی مثبت باعث بالا رفتن کیفیت زندگی زناشویی می‌شود. [۶]

در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که صفات شخصیت به عنوان یک متغیر روان‌شناختی تمامی رفتارهای انسان از جمله ارتباط زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و توان آن را دارد که فرد را در ازدواج با مشکل جدی مواجه سازد، درواقع ازدواج پیوند بین دو شخصیت است. ویژگی‌های شخصیت منعکس‌کننده تفاوت‌های فردی در حساسیت به مشکلات انطباقی و خطرات اجتماعی است. تصور از همسر مطلوب تنها در مراحل اولیه در همسرگزینی موثر واقع می‌شود و به ندرت اتفاق می‌افتد که افراد با کسی ازدواج کنند که دارای همگی صفات از پیش اندیشیده‌اش باشد. در نهایت می‌توان گفت که سیستم ارزش همسر و عملکرد زوج ارتباط بین کیفیت زندگی زناشویی و صفات شخصیتی را میانجی‌گری می‌کند. بنابراین صفات شخصیتی نقش مهمی در ارتقا کیفیت زندگی زناشویی زوجین ایفا می‌نماید و می‌توان با تقویت نظام ارزشی همسر و عملکرد زوج کیفیت زندگی زناشویی را بهبود بخشید. **محدودیت‌ها:** استفاده از پرسشنامه خودگزارش‌دهی و توجه نکردن به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، طبقه اجتماعی و مذهب در این پژوهش از محدودیت‌های پژوهش بود.

پیشنهادها: پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه نیز استفاده شود و با توجه به نقش فرهنگ و باورهای قومی و فرهنگی پیشنهاد می‌شود رابطه بین عملکرد زوج و ارزش همسر با توجه به عوامل قومی و فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد.

سپاسگزاری: این مقاله بر گرفته از رساله دکترای روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات است. بدین وسیله از تمامی دانشجویان متاهل مشغول به تحصیل در واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و واحد رودهن دانشگاه آزاد اسلامی که صمیمانه با محقق همکاری نمودند تشکر و قدردانی می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: جهت رعایت اصول اخلاقی، در رابطه با موضوع تحقیق و هدف آن، برای نمونه‌های مورد پژوهش توضیحات لازم داده شد و آزمودنی‌ها با رضایت کامل و آگاهانه به پرسشنامه‌های پژوهش که شامل پرسشنامه کیفیت زندگی زناشویی، صفات آسیب‌شناسی شخصیت، عملکرد زوج در همسرگزینی و ارزش همسر بود، پاسخ دادند. به نمونه‌های پژوهش، در مورد محرمانه بودن اطلاعات افراد شرکت‌کننده و نتایج به دست آمده از پژوهش اطمینان داده شد. **تضاد منافع:** در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد و تعارض منافع وجود ندارد.



References:

1. Sutton TE. Review of attachment theory: Familial predictors, continuity and change, and intrapersonal and relational outcomes. *Marriage & Family Review*, 2018. 55(1): p. 1-22.
2. Ghanbarian E, Keshavarz H, Nahid E, Saeedi M. The effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on the life quality and the desire for divorce in newly married couples. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2020. 9(2): p. 31-52. [Persian]
3. Perrotti A, Ecarnot F, Monaco F, Dorigo E, Monteleone P, Besch G, Chocron S. Quality of life 10 years after cardiac surgery in adults: A long-term follow-up study. *Health Qual Life Outcomes*, 2019. 17(1): p. 88.
4. Taheri N, Kamangar S, Cheraghian B, Mousavi S, Solaimanzadeh M. Life quality of hemodialysis patients. *Knowledge And Health*; 8 (3) 119-124; 2013. [Persian]
5. Wang W, Wang M, Hu Q, Wang P, Leid L, Jiang S. Upward social comparison on mobile social media and depression: The mediating role of envy and the moderating role of marital quality. *Journal of Affective Disorders*, 2020. 270: p. 143-149.
6. Deyreh E, Asgarian S. Effectiveness of emotion-focused therapy-based enrichment program on psychological well-being, marital relationship quality and marital satisfaction in mothers of children with specific learning disabilities. *Razavi International Journal of Medicine*, 2021. 9(1): p. 63-68.
7. Allendorf K, Ghimire D.J. Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social Science Research*, 2013. 42(1): p. 59-70.
8. Sayehmiri K, Kareem K.i, Abedi K, Dalvand S, Ghanei Gheshlagh R. The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC Psychol*, 2020. 8(1): p. 15.
9. Crown D, Gheasi M, Faggian A. Interregional mobility and the personality traits of migrants. *Papers in Regional Science*, 2020. 99(4): p. 899-914.
10. Lavner J.A, Karney B.R, Bradbury T.N. Does couples' communication predict marital satisfaction, or does marital satisfaction predict communication? *Journal of Marriage and Family*, 2016. 78(3): p. 680-694.
11. Humbad M.N, Donnellan M.B, Iacono W.G, McGue M, Burt S.A. Is Spousal Similarity for Personality A Matter of Convergence or Selection? *Personality and Individual Differences*, 2010. 49(7): p. 827-830.
12. Atari M, Barbarob N, Selab Y, Shackelford T.K, Chegenic R. The Big Five personality dimensions and mate retention behaviors in Iran. *Personality and Individual Differences*, 2017. 104: p. 286-290.
13. Holland, A.S, Roisman G.I. Big Five personality traits and relationship quality: Self-reported, observational, and physiological evidence. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2008. 25(5): p. 811-829.
14. Keynejad R.C, Hanlon C, Howard L.M. Psychological interventions for common mental disorders in women experiencing intimate partner violence in low-income and middle-income countries: A systematic review and meta-analysis. *The Lancet Psychiatry*, 2020. 7(2): p. 173-190.
15. Sanz-Barbero B, Baron, Vives-Cases C. Prevalence, associated factors and health impact of intimate partner violence against women in different life stages. *PLoS One*, 2019. 14(10): p. e0221049.
16. Kardum I, Hudek-Knezevic J, Mehić N, Shackelford T.K. Predicting mate retention behaviors from five-factor personality traits: A dyadic approach. *Personality and Individual Differences*, 2020. 163: p. 110069.
17. Buss D.M, Shackelford T.K. From vigilance to violence: Mate retention tactics in married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1997. 72(2): p. 346-61.
18. Pham M.N, Shackelford TK, Holden CJ, Zeigler-Hill V, Sela Y, Jeffery AJ. Men's benefit-provisioning mate retention behavior mediates the relationship between their agreeableness and their oral sex behaviors. *Archives of Sexual Behavior*, 2015. 44(6): p. 1723-8.
19. Michalski R.L, Shackelford T.K. Evolutionary personality psychology: Reconciling human nature and individual differences. *Personality and Individual Differences*, 2010. 48(5): p. 509-516.
20. Apostolou M. Past, present, and why people struggle to establish and maintain intimate relationships. *Evolutionary Behavioral Sciences*, 2015. 9(4): p. 257-269.
21. Apostolou M, Papadopoulou I, Georgiadou P. Are people single by choice? Involuntary singlehood in an evolutionary perspective. *Evolutionary Psychological Science*, 2018. 5(1): p. 98-103.
22. Lopes G.S, Sela Y, Shackelford T.K. Endorsement of existence values predicts mate retention behaviors. *Personality and Individual Differences*, 2017. 113: p. 184-186.
23. Gouveia V.V, Vione K.C, Milfont T.L, Fischer R. Patterns of value change during the life span: Some evidence from a functional approach to values. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 2015. 41(9): p. 1276-90.
24. Trivers R.L. Parental investment and sexual selection. *Sexual Selection and the Descent of Man*. 1972, New York: Aldin de Gruyter. 136-79.

25. Lichter D.T, Carmalt J.H. Religion and marital quality among low-income couples. *Social Science Research*, 2009. 38(1): p. 168-187.
26. Saberi H, Abolmaali K.H. The survey psychometric properties of quality of marriage questionnaire. *Journal of Educational Psychology Islamic Azad university Tonekabon Branch*. 2012 Summer 4;2(14):60-73. [Persian]
27. Krueger R.F, Derringer J, Markon K.E, Watson D, Skodol A.E. Initial construction of a maladaptive personality trait model and inventory for DSM-5. *Psychological Medicine*, 2012. 42(9): p. 1879-90.
28. da Costa, H.P, Vrabel J.K, Zeigler-Hill V, Vonk J. DSM-5 pathological personality traits are associated with the ability to understand the emotional states of others. *Journal of Research in Personality*, 2018. 75: p. 1-11.
29. Abdi R, Chalbani Lu Gh. Adaptation and evaluation of psychometric properties of the short form of the personality questionnaire of the fifth edition of the diagnostic and statistical guide of mental disorders. *Quarterly Journal of New Psychological Research*, 2017; 12 (45): 131-154. [Persian]
30. Edlund J.E, Sagarin B.J. Sex differences in jealousy: Misinterpretation of nonsignificant results as refuting the theory. *Personal Relationships*, 2009. 16(1): p. 67-78.
31. Taraghijah S, Bahadori Khosroshahi J, Khanjani Z. The prediction of the women's marital satisfaction by their personality characteristics and religiosity. *Journal of family counseling and psychotherapy*. 2017 6;2(22): 107-127. [Persian]